

آیت الله هاشمی رفسنجانی:

یک گروه بی هنر و عقب افتاده نمی تواند سرمشق باشد.
تبلیغات فراوانی کردیم که خیلی ها از اسم آمریکا متنفر هستند. در مثل مناقشه نیست و گویا اسم آمریکا و ایران مثل جن و بسم الله بود/ آنها که تندروی های خود را به امام منسوب می کنند، خلاف می گویند/ کاری که آقای روحانی دارند می کنند، حقیقتاً مصداق اعتدال است.

آیت الله هاشمی رفسنجانی با بیان اینکه آنها که تندروی های خود را به امام منسوب می کنند، خلاف می گویند، تاکید کرد: امام بارها در مسائل داخلی و خارجی ترمز، بی ترمزها را کشیدند تا انقلاب در مسیر اعتدال بماند،
گزیده مصاحبه ایشان با ویژه نامه نوروزی ایران بدین شرح است:

* خیلی از کسانی که نظرات امام درباره میانه روی و تندروی را بازخوانی و یا تفسیر میکنند به این نقطه میرسند که مشی امام (ره) برخورد با مخالفان بود و آن را نوعی اقدام انقلابی میدانستند، در حالی که میدانیم خیلی از کارها تندروی و افراط بود. آیا واقعاً این کارها برگرفته یا تأسی از سیره امام است؟

● خلاف میگویند. هر انسانی میتواند هر ادعایی بکند. امام در کجا چنین بودند؟ چه کسی می-تواند مصداقی از این حرفها و ادعاهای بیاورد؟ محور امام شرع و قانون اساسی بود. رفتار خلاف قانون را قبول نداشتند. مقاومت در برابر ظلم و تجاوز از مقوله تندروی نیست. من هم ملاک اعتدال را از قرآن و قانون اساسی یاد گرفته ام.

○ برخورد با آمریکا، يك مصداق روشن است. یا پافشاری بر اجرای ارزشهای دینی و يك سلسله از محکاماتی که میگویند اصول انقلابی هستند.

● اتفاقاً در مورد ارزشهای دینی، امام کاری کردند که اوج نقطه اعتدال، یعنی عقلانیت و کارشناسی صحیح است و آن تأسیس مجمع تشخیص مصلحت نظام بود. در تاریخ اسلام و تشیع هیچ فقیهی در فقه سیاسی این کار را نکرده بود و در دنیا هم چنین کاری نکردند. دو مسأله تطبیق مصوبات مجلس با شرع و قانون اساسی در اختیار شورای نگهبان بود که میتوانند قانونی را رد یا قبول کنند. امام دیدند که اینگونه نمیشود. اختلافات به جایی رسیده بود که خیلی از لوایح مهم ما در مجلس مانده و گیر کرده بود. نه مجلس حاضر بود نظر شورای نگهبان را بپذیرد و نه شورای نگهبان حاضر بود که عقب نشینی کند.

امام (ره) ابتدا کارشناسی را جلو انداختند و گفتند: «اگر دو سوم مجلس يك موضوعی را به ضرورت تشخیص دادند، دیگر به شورایی نگهبان نرود.» ولی چون دیدند این طرف هم افراط کرد و ممکن بود خیلی زود درباره موضوعات بگویند «ضرورت است». مجمع را ابتکار کردند و گفتند: که اگر بین مجلس و شورایی نگهبان تفاهم نشد، مجمع تصمیم نهایی را میگیرد و میتواند از قانون اساسی و فتوای ارزشی که آقایان دادند، عبور کند. این اوج اعتدال است. یعنی عقلانیت و کارشناسی که مصلحت را تشخیص بدهد. این نگاه اعتدالی را کجا میتوانند پیدا کنند؟ در جنگ، بچه هایی که در میدان جنگ بودند، خیلی حماسی، شجاع، ایثارگرانه و فداکارانه دفاع میکردند، ولی کم کم به اینجا رسیدیم که دیگر نمیتوانیم بجنگیم.

با اینکه امام (ره) گفته بودند «ما تا آخر می مانیم»، «بیست سال هم طول بکشد، می مانیم»، «تا آخرین نفس» و «تا آخرین قطره خون می-جنگیم»، ولی وقتی دیدند جنگ دیگر به صلاح کشور نیست، خیلی آسان مسئله را حل کردند. خوب هم حل کردند. یعنی به گونه ای حل کردند که هر کس بیانیه ایشان را شنید، قانع شد. در مسئله ای که حالت افراط می توانست برای کشور مشکل ایجاد کند، وارد شدند و به آسانی حل کردند.

در مسئله حج، وقتی شهدای ما را از مکه آوردند، همه عصبانی بودیم و ایشان هم تعبیری کردند و گفتند: «ما از هرکس، از صدام هم بگذریم، از فهد نمی گذریم.» ولی وقتی دیدند حج مثل نماز و روزه جزو فروع دین ماست، دارد تعطیل می شود، ما را دعوت کردند و گفتند: «این مسئله را حل کنید. نمی توانیم تعطیلی حج را بپذیریم.»

امام (ره) اینگونه بود و هر وقت مشکلی برای جامعه پیدا میشد، با عقلانیت وارد می شدند و حل می کردند. چون ضمن اینکه فقیه بود، فیلسوف و عارف بزرگی هم بود و با مبانی اسلام که بر پایه اعتدال استوار است، کار می کرد.

○ چکار کنیم که میانه روی به عنوان يك میراث و مکتب باقی بماند؟ اگر تفکر و سیره امام مبتنی بر اصل میانه روی بود، چرا بعضی از فرزندان انقلاب و خیلی از افراد نسل اول انقلاب از شنیدن واژه میانه روی بدشان می آید و اعتدال را به اصطلاح مکروهات می دانند؟ واقعاً دلیل این غربت و انزوای فکر میانه روی در همین نسل اول انقلاب، جمعی که بعضی هایشان کنار شما هم بودند، چیست؟

● من کسی را ندیدم که از اعتدال بدش بیاید، همه می گویند که ما معتدل هستیم. حتی وقتی که خودشان هم هستند، نمی توانند بگویند مخالف اعتدالیم. چون کسانی که کنار ما بودند، اهل قرآن هستند. در کتاب فرهنگ قرآن وقتی به کلمه اعتدال رسیدم، 40 مورد را درآوردم که قرآن اعتدال می خواهد. داستان های انبیا را که می-گوید، قسمتهایی تأکید بر اعتدال آنهاست. 40 مورد است که آقای رستگاری یکی یکی از کتاب فرهنگ قرآن می گوید و در سایت می گذارد.

آیات خیلی زیاد است که من فقط چند آیه را برای شما می گویم. وقتی قرآن دستور می دهد انفاق کنید، به پیغمبر(ص) می گوید: نه خیلی انفاق کن که دست خودت را ببندی و هیچ چیز نداشته باشی و نه آن قدر تفریط کن که به کسی ندهی. «لَتَجْعَلَ يَدَ مَغْلُولَةً عَلَي عُنُقِكَ، يَعْنِي هِيَ حَيْزُ نَهْيٍ، «وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْمَبْسُطِ فَتَقْعَدَ مَلُومًا مُحْسُورًا»، یعنی خیلی هم باز نکن که چیزی کف دستت نماند.

یا: «وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يَسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا» از این مضامین برای هر موردی در قرآن خیلی زیاد است. در مورد عبادت - که مهمتر از آن نیست - بر اعتدال تأکید می کند. در مورد مباحثه و احتجاجات می-گوید: «فَبَشِّرْ عِبَادَ الَّذِينَ يَسْتَمْعُونَ الْقَوْلَ وَيَتَّبِعُونَ آخِرَ نَهْيِهِ». یعنی به انسان می-گوید: «به حرف های دیگران گوش کن و بهترین ها را انتخاب کن» بندگان خوب خداوند کسانی هستند که می شنوند، نگاه می کنند و خوب و بدش را انتخاب می کنند. یلی از این توصیه ها در قرآن داریم. توصیه کلی اش این است که «وَلَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ» ما شما را يك اُمت میانه رو قرار دادیم که برای دیگران سرمشق باشید. از این آیه کاملاً روشن است که يك گروه افراطی هرگز نمی تواند سرمشق باشد. يك گروه بی هنر و عقب افتاده سرمشق نمی شود. مشی عاقلانه و با تدبیر سرمشق می شود. من فکر می کنم کسانی که با دین و قرآن آشنا هستند، این حرف ها را نمی زنند. بچه های احساسی، با احساسات خود این کارها را می کنند.

○ بالاخره شما يك جمع بندی از رفتار دوستانی که مسیر میانه روی و اعتدال را در پیش گرفتند و جمعی که اسیر فضایی تدریجی شدند، دارید. در دهه اخیر هم می بینیم که در خیلی از جاها واقعاً فضایی تدریجی و رادیکالیسم بر میانه روی غلبه میکند. الان هم تحلیل و جمع بندی روشنی دارید. چرا واقعاً این اتفاق افتاد؟ این فضا که پیش می آید، میانه روی در اقلیت قرار می گیرد و سبقت و مسابقه ای برای تدریجی و اتخاذ مواضع تند و شعارهای تند راه می افتد. از این جهت توضیحی بفرمایید.

● اول انقلاب يك مقدار طبیعی بود. هر انقلابی وقتی اتفاق می افتد، با مقدار زیادی احساسات همراه می شود. وقتی انقلاب ما پیروز شد، نیروهایی که خشم از رفتار رژیم قبل در وجودشان بود و آسیب هایی دیده بودند، می خواستند از عوامل رژیم انتقام بگیرند. ادبیاتی که در انقلاب به کار می رود، يك مقدار انسان ها را تدریجی بار می آورد و تدریجی هایی در برخوردها پیش می آید. امام چندبار در فواصل مختلف بیانیه صادر کردند و ترمز زدند. به اینها نگاه کنید. برای شما سخت نیست و حتماً مرجعی برای مراجعات خودتان دارید. حرف-های امام کاملاً روشن است و می توانید ببینید. حرکت های انقلاب احتیاج به ترمز داشت که امام این ترمز را زدند. آن بیانیه هشت ماده ای را ببینید. وقتی که دیدند نیروهای امنیتی و انقلابی غیر امنیتی و قضایی دارند با مردم تند برخورد می کنند، آن مطالب را گفتند. به بیانیه هشت ماده ای ایشان نگاه کنید و ببینید چه مطالب مهمی در آن هست! ترمز می کردند تا حرکت انقلاب به مسیر اعتدال برگردد.

○ می دانیم که میانه روی و اعتدال موضوعی نیستند که با نصیحت و توصیه و اندرز در جامعه نهادینه شوند. آنهایی که در جایگاه مدیریت سیاسی جامعه یا کسانی که در کسوت مرجعیت دینی جامعه هستند، چه قدم هایی می توانند بردارند؟ حضرت عالمی برای حال حاضر جامعه ایران چه نسخه ای پیشنهاد می دهید که واقعاً میانه روی نهادینه شود؟

● بهترین نسخه عقلانیت است. یعنی نیروهایی که با سواد هستند، عقلانیت دارند و مرجع تشخیص هستند، کارشناسی کنند. پیچ و خم های تاریخ را نگاه کنند. يك مورد را به عنوان مثال رفتار عقلانی می گویم. وقتی جنگ تمام شد و دنبال سازندگی و بازسازی رفتیم، عراق دستش از دستاوردهای جنگی خالی بود و به سریش زد که کشوری را اشغال کند. کویت را گرفت و آمریکایی ها آمدند که او را بزنند. در داخل کشور ما کسانی بودند که می گفتند: صدام خالد بن ولید است و باید جنایتهایش را فراموش کنیم و با آمریکایی ها بجنگیم. پیچ خیلی خطرناکی بود. اگر می رفتیم همان شرایط عراق را پیدا می کردیم. ولی روحیه اعتدال به ما آموخت که وارد این ماجرا نشویم. حضور آمریکا را محکوم کردیم، اما در عمل هیچ کاری علیه آمریکا نکردیم. همان کارهای معمولی را که داشتیم، می کردیم. ولی در جنگ کاری نکردیم.

از این طرف وقتی کویتی ها آواره شدند، درها را باز کردیم. با اینکه کویتی ها در جنگ به ما ظلم و از عراق خیلی حمایت کرده بودند، هر کس خواست وارد ایران شد و کشور ما پناهی برای آنها شد. این حالات معلول عقلانیت و حساسگری درست است.

همان موقع می توانستیم وارد شویم و یکی از کارهایی که می توانستیم بکنیم، این بود که از پشت به عراق خنجر بزنیم. چون صدام خیلی به ما ستم کرده بود. این کار را هم نکردیم. این حالت، حالت اعتدالی است که می تواند آزارش را خیلی نشان بدهد.

همین الان کاری که آقای دکتر روحانی و همکارانش دارند می کنند، حقیقتاً مصداق اعتدال است. در طول سالها تبلیغات فراوانی کردیم که خیلی ها از اسم آمریکا متنفر هستند. در مثل مناقشه نیست و گویا اسم آمریکا و ایران مثل جن و بسم الله بود. ولی وقتی نیاز شد، رفتند مذاکره کردند. البته این اعتدال قبلاً يك مقدار شکل گرفته بود. چون اواخر زمان دولت گذشته یکی، دو مذاکره در عمان انجام شد، که بی نتیجه بود. منتها اینها جدی تر و علنی وارد شدند و کار خوبی کردند.

مسأله هسته ای و بهانه گیری های آمریکا و غربی ها باید پایان بپذیرد. آنها می خواستند با این بهانه ها، تحریم ها را تشدید و ما را محاصره کنند. آقای خراعی، سفیر ما در نیویورک گفت: قاطعانه می گویم که برنامه آنها نفت در برابر غذاست و می خواهند ما را به آنجایی برسانند که عراق را بردند.

چون احتیاج به نفت ما در بازار زیاد است، می خواهند نفت را ببرند و پولش را به حساب سازمان ملل بریزند و برای ما غذا و دارو تهیه کنند و کوین بدهند. یعنی همان کاری که با عراق کردند. در این حالت تحقیقاً باید کاری کرد که خیلی خوب و عقلانی رفتار کردند. انصافاً شجاعانه وارد شدند و تا به حال هم خوب پیش رفتند. هیچ امتیاز غیرقابل قبولی ندادند وضع ما را با این کار آرام کردند. به نظرم این یکی از مصداقی است که باید بگوییم با عقلانیت دنبال کار را گرفتند.